



وقتی حفاظت از اراضی ملی، بهایش را با دود و گلوله می‌پردازد

آتش انتقام در میانکاله

گزارش

زهرآ کشوری

دبیر گروه زیست بوم

میانکاله چندی پیش دوباره سوخت؛ اما این بار، روایت فقط روایت آتش نبود. آنچه در یکی از مهم‌ترین ذخیره‌گاه‌های زیست‌کره کشور می‌گذرد، بیش از آنکه یک بحران طبیعی باشد، نشانه یک تعارض عمیق است: تعارضی میان حفاظت و تخلف، میان قانون و سود، میان محیط‌انانی که در خط مقدم ایستاده‌اند و کسانی که به لحاظ قانونی از شفاف شدن وضعیت مالکیت‌ها، محدود شدن تعارض‌ها و سختگیری بیشتر در منطقه خشمگین‌اند.

در هفته‌های گذشته، آتش‌سوزی‌های پیاپی در میانکاله، نه‌تنها بخش‌های وسیعی از اراضی این منطقه ارزشمند را خاکستر کرده، بلکه بار دیگر این پرسش را پیش کشیده است که آیا این حریق‌ها صرفاً حاصل مؤلفه‌های طبیعی چون؛ گرما، خشکی و وزش بادند یا باید آنها را بخشی از یک عمل مجرمانه و تخلف تعدمی برای فرسوده کردن بدنه حفاظتی منطقه دانست؟

محمدرضا کنعانی، مدیرکل حفاظت محیط‌زیست مازندران، در گفت‌وگو با «ایران» به صراحت از قرائتی سخن می‌گوید که احتمال عمدی بودن بخش مهمی از آتش‌سوزی‌ها را تقویت می‌کند؛ قرائتی که از زمان و مکان وقوع حریق‌ها گرفته

شورای شهر؛ مدیر توسعه تهران یا نگهبان ظرفیت زیستی آن؟

یادداشت

فرزاد کوردز

کارشناس محیط زیست

در یادداشت پیشین که در تاریخ ۱۴ خرداد در صفحه زیست بوم منتشر شد، این پرسش مطرح شد: تهران چند نفر را می‌تواند تحمل کند؟ پرسشی که در ظاهر ساده است، اما در واقع به یکی از مهم‌ترین چالش‌های پایتخت بازمی‌گردد: ظرفیت زیستی تهران. ظرفیتی که مشخص می‌کند این شهر تا چه میزان جمعیت، ساخت‌وساز، مصرف آب و انرژی، تردد، تولید پسماند و فعالیت اقتصادی را می‌تواند بدون تخریب منابع طبیعی و افت کیفیت زندگی تحمل کند. اگر بپذیریم که تهران با محدودیت‌های واقعی در منابع آب، کیفیت هوا، فرونشست زمین، ترافیک و زیرساخت‌های شهری مواجه است، اکنون باید پرسش مهم‌تری را مطرح کنیم: چه کسانی مسئول پاسبانی از سقف ظرفیت زیستی تهران هستند؟ پاسخ این پرسش به یک نهاد محدود نمی‌شود. دولت، مجلس، شهرداری، وزارت نیرو، سازمان حفاظت محیط زیست، وزارت راه و شهرسازی، استانداری و شهروندان همگی در این مسئولیت سهم دارند. با این حال، در میان همه این بازیگران، شورای شهر جایگاهی تعیین‌کننده در جهت‌دهی به توسعه شهری دارد. در انتخابات پیش‌رو، شهروندان درباره نهادی تصمیم می‌گیرند که می‌تواند مسیر آینده تهران را به سمت ثبات یا ناپایداری هدایت کند.

شورای شهر

نقطه اتصال توسعه و ظرفیت زیستی

شورای شهر صرفاً یک نهاد اداری نیست. تصمیم‌های آن درباره بودجه، سیاست‌های شهری، نوع پروژه‌های عمرانی، ضوابط شهرسازی و جهت‌گیری توسعه، مستقیماً بر فشار وارد بر ظرفیت زیستی تهران اثر می‌گذارد.

شورای شهر مستقیماً متولی منابع آب یا مدیریت فرونشست نیست، اما از طریق تصویب بودجه، نظارت بر عملکرد شهرداری، تعیین سیاست‌های توسعه شهری و کنترل الگوی گسترش شهر، می‌تواند فشار بر منابع آب، زمین و زیرساخت‌های شهری را کاهش یا تشدید کند.

هر تصمیم درباره حمل‌ونقل، توسعه شهری، فضای

سبز، مدیریت پسماند و درآمدهای شهرداری، در نهایت به یک پرسش بنیادین بازمی‌گردد:

آیا این تصمیم در چارچوب حد زیست‌پذیری تهران است یا از آن فراتر می‌رود؟

از این منظر، شورای شهر نه صرفاً مدیر توسعه، بلکه یکی از نهادهای تعیین‌کننده حدود توسعه شهری است. از مرکز گرفته تا جنوب تهران، نشانه‌های عبور از ظرفیت زیستی شهر آشکار است: فرونشست در جنوب‌غرب، تراکم‌های فشرده در مناطق مرکزی و آلودگی هوا در بخش بزرگی از پایتخت. مسأله اصلی دیگر صرفاً توسعه نیست؛ نسبت میان توسعه و ظرفیت واقعی شهر است.

توسعه شهری با عبور از ظرفیت زیستی؟

سال‌ها توسعه شهری با شاخص‌هایی مانند حجم ساخت‌وساز، تعداد پروژه‌ها و گسترش معابر سنجیده شده است. اما امروز مسأله اصلی روشن‌تر شده است:

توسعه برای چه و تا کجا؟

تهران در دهه‌های اخیر با رشد جمعیت، گسترش ساخت‌وساز و افزایش فشار بر منابع طبیعی مواجه بوده است. طرح جامع تهران، افق جمعیتی مشخصی را برای شهر در نظر گرفته بود، اما روندهای توسعه در سال‌های گذشته نشان می‌دهد که فشار بر ظرفیت‌های اکولوژیک و زیرساختی شهر به‌مراتب فراتر از پیش‌بینی‌های اولیه رفته است. امروز بحران آب به یکی از مهم‌ترین محدودیت‌های توسعه تهران تبدیل شده است. کارشناسان بارها هشدار داده‌اند که منابع آب پایتخت با روند فزاینده مصرف و رشد جمعیت همخوانی ندارد. همزمان افت سطح آب‌های زیرزمینی، کاهش ذخایر آبی و وابستگی روزافزون به منابع محدود، آینده تأمین آب شهر را با ابهام مواجه کرده است. در کنار چالش آب، فرونشست زمین نیز به یکی از

جدی‌ترین تهدیدهای پایتخت تبدیل شده است. در برخی مناطق جنوب و جنوب‌غرب تهران، نرخ فرونشست به حدود ۲۰ سانتی‌متر در سال رسیده است؛ پدیده‌ای که نه‌تنها زیرساخت‌های شهری، بلکه امنیت بلندمدت سکونت در بخش‌هایی از شهر را نیز تهدید می‌کند.

در چنین شرایطی باید پرسید: آیا توسعه‌ای که به کاهش منابع آب، تشدید آلودگی هوا، از بین رفتن فضا‌های سبز و افزایش فرونشست زمین منجر می‌شود، همچنان «توسعه» محسوب می‌شود؟

شورای آینده با یک انتخاب بنیادین روبه‌روست: یا توسعه را بدون سقف دنبال کند؛ یا آن را در چارچوب «آستانه زیست‌پذیری» یا «حد توان اکولوژیک» تعریف کند.

در واقع، آینده تهران به این بستگی دارد که محدوده واقعی زیست‌پذیری شهر به رسمیت شناخته شود یا نه.

ظرفیت زیستی

معیار مقفول در انتخاب‌های شهری

در فضای انتخاباتی معمولاً نام‌ها، فهرست‌ها و گرایش‌های سیاسی پررنگ‌تر از مفاهیم بنیادین مطرح می‌شوند. اما پرسش اساسی این است: آیا نامزدها اساساً مفهوم ظرفیت زیستی تهران را درک کرده و آن را مبنای تصمیم‌گیری می‌دانند؟ چند نفر برای بحران آب تهران برنامه مشخص دارند؟

چند نفر فرونشست زمین را به‌عنوان یک محدودیت جدی توسعه‌ای تلقی می‌کنند؟ چند نفر حاضرند بپذیرند که توسعه شهری نیز باید سقف داشته باشد؟ چند نفر تصمیم‌های شهرسازی را به ظرفیت واقعی آب، هوا، زمین و انرژی تهران مقید می‌کنند؟ این پرسش‌ها کمتر از گرایش‌های سیاسی مطرح می‌شوند، در حالی که آثار آنها بر آینده شهر بسیار ماندگارتر است.

رای به فهرست‌ها یا رای به برنامه‌ها؟

شهروندان در انتخابات شورا ۲۱ عضو را انتخاب می‌کنند؛ اعضای که در کمیسیون‌های تخصصی

درباره مهم‌ترین موضوعات شهر تصمیم می‌گیرند. حوزه‌هایی مانند بودجه، شهرسازی، حمل‌ونقل، محیط زیست و خدمات شهری در همین ساختار شکل می‌گیرند. شورا از کمیسیون‌های تخصصی متعددی تشکیل شده و اعضا معمولاً در بیش از یک کمیسیون فعالیت می‌کنند؛ بنابراین نگاه تک‌بعدی به شهر پاسخگو نیست و هر عضو باید درک حداقلی از کلیت سیستم شهری و بویژه ظرفیت زیستی و حد زیست‌پذیری آن داشته باشد.

در چنین شرایطی، پرسش اصلی صرفاً تخصص فرد در یک حوزه نیست، بلکه این است:

آیا او می‌تواند تصمیم‌های چندبعدی شورا را در چارچوب ظرفیت زیستی تهران هدایت کند؟

شورای شهر و مسأله حدود توسعه

شورای شهر آینده را می‌توان نه صرفاً به‌عنوان مدیر پروژه‌ها، بلکه به‌عنوان نهاد تعیین‌کننده حدود توسعه دید. نهادی که اگر درست عمل کند، توسعه شهری را در چارچوب ظرفیت آب و انرژی تنظیم می‌کند؛

از فشار بیش از حد بر زمین و زیرساخت‌ها جلوگیری می‌کند؛

تعادل میان توسعه اقتصادی، اجتماعی و محیط زیستی را حفظ می‌کند؛ و مفهوم ظرفیت زیستی و حد زیست‌پذیری را به معیار تصمیم‌گیری شهری تبدیل می‌کند.

و اگر درست عمل نکند، حتی توسعه ظاهراً موفق نیز می‌تواند به تعمیق چالش‌های شهری منجر شود.

جمع‌بندی

تهران امروز با مجموعه‌ای از چالش‌های به‌هم‌پیوسته روبه‌روست: آب، آلودگی هوا، فرونشست زمین، ترافیک، کاهش کیفیت زندگی و فشار فزاینده بر زیرساخت‌های شهری. قرار دارد: ظرفیت زیستی شهر؛ مفهومی که در عمل بیان‌کننده حدود واقعی زیست‌پذیری تهران است.

پرسش اصلی انتخابات آینده این نیست که چه کسی پروژه‌های بیشتری می‌سازد؛ پرسش این است که چه کسی می‌تواند مرز میان توسعه و



محمدرضا

کنعانی،

مدیرکل

حفاظت

محیط زیست

مازندران،

در گفت‌وگو

با «ایران» به

صراحت از

قرائتی سخن

می‌گوید

که احتمال

عمدی

بودن بخش

مهمی از

آتش سوزی‌ها

را تقویت

می‌کند؛

قرائتی که

از زمان و

مکان وقوع

حریق‌ها

گرفته تا

تکرار آنها در

محدوده‌های

مشخص و

حتی تهدید

مستقیم

مدیران و

نیروهای

حفاظتی را

دربرمی‌گیرد

به حریق‌ها، تلاش کنند بر روند اداره منطقه اثر بگذارند. روشی برای فرسودن مدیران، ایجاد نارضایتی عمومی، زیر سؤال بردن توان اجرایی و در نهایت، باز کردن فضا برای عقب‌نشینی دستگاه متولی.

تیراندازی به خودروی رئیس منطقه

بنا بر اظهارات مدیرکل حفاظت محیط‌زیست مازندران، ساعت ۲ بامداد آن روز، به خودروی رئیس منطقه که در محوطه پاسگاه پارک شده بود، از فاصله دور تیراندازی شد. خوشبختانه این تیراندازی تلفات جانی در پی نداشته، اما به اعتقاد کنعانی، نفس وقوع آن در حریم یک پاسگاه محیط‌بانی، پیام روشنی دارد: تهدیدها از سطح تخریب طبیعت گذشته و متوجه اشخاص شده است.

محیط‌بانانی که ۴۸ تا ۷۲ ساعت

بیدار ماندند

کنعانی برای دفاع از همکارانش، نام چند تن از محیط‌بانان را به صراحت ذکر می‌کند: محمد بیاتی، امید ظافمی و علی رستمی. او می‌گوید این نیروها در جریان مهار آتش، گاه ۴۸ تا ۷۲ ساعت بی‌خوابی را تحمل کرده‌اند؛ نه فقط در شیفت کاری خود، بلکه حتی در زمان استراحت و شیفت مخالف نیز در منطقه مانده‌اند تا عملیات اطفاء و کنترل حریق متوقف نشود. این توصیف کنعانی، تلاشی است برای پاسخ به انتقادهایی که در فضای عمومی مطرح شده و گاهی عملکرد محیط‌بانان را زیر سؤال برده است. از نگاه مدیرکل، نباید زحمات نیروهایی که در میدان حضور داشته‌اند، با داوری‌های شتاب‌زده نادیده گرفته شود؛ بویژه وقتی با مجموعه‌ای از حریق‌های پی‌درپی و گاه همزمان روبه‌رو بوده‌اند.

آیا تجهیزات کافی بود؟

در روزهای اخیر، برخی گمانه‌زنی‌ها بر کمبود امکانات اطفای حریق در میانکاله متمرکز بوده است. با این حال، مدیرکل حفاظت

محیط‌زیست مازندران می‌گوید که منطقه از حیث تجهیزات کاملاً دست خالی نبوده است. به گفته او، یک لودر در میانکاله وجود داشته و علاوه بر آن، ۷ دستگاه تراکتور مجهز به تانکر نیز در منطقه مستقر بوده‌اند. همچنین در عملیات اخیر، لودر بندر امیرآباد، نیروگاه و شهرداری نیز برای کمک به میدان آمده‌اند.

او تأکید می‌کند که نیروهای حاضر نیز افراد بی‌تجربه‌ای نبوده و هم گواهینامه معتبر داشته‌اند و هم در بسیاری موارد، بیش از ۱۰ سال سابقه اطفای حریق در کارنامه‌شان ثبت شده است. بنابراین از نگاه او، تقلیل بحران به نبود امکانات، یا «نداشتن تخصص» نوعی نادیده گرفتن واقعیت پیچیده‌تری است که در منطقه جریان دارد. البته این به آن معنا نیست که اطفای حریق در چنین پهنه حساسی، بدون چالش لجستیکی بوده است. با این همه، روایت رسمی اصرار دارد که نباید همه بار ماجرا را بر دوش نارسایی تجهیزات گذاشت، در حالی که قرائن فراوانی از عامدانه بودن فشارها حکایت دارد.

ماجرای تدقیق مالکیت‌ها

شاید کلیدی‌ترین محور اختلافات در میانکاله، همان موضوعی باشد که مدیرکل

محیط‌زیست مازندران از آن با عنوان تدقیق یا شفاف‌سازی مالکیت اراضی یاد می‌کند. این فرآیند، در ظاهر اقدامی کارشناسی و ثبتی است، اما در عمل به قلب تعارض منافع می‌زند؛ جایی که باید مشخص شود چه کسی دقیقاً چه میزان زمین دارد، مرزها کجاست و چه مقدار از اراضی به صورت غیرقانونی به تصرف درآمده است. چون به اعتقاد کنعانی، دقیقاً در همین نقطه است که تعارض منافع شکل تندتری به خود می‌گیرد. از نگاه او، بخشی از آتش‌سوزی‌های اخیر را باید در همین بستر فهمید؛ واکنش به شفافیت.

محیط زیست مقابل اقدامات غیر قانونی

کنعانی در اظهارات خود می‌کوشد مرز میان جامعه محلی و متخلفان را روشن نگه دارد. او می‌گوید، اداره کل حفاظت محیط‌زیست مازندران تقابلی با دامداران، صیادان و مالکان قانونی ندارد و مسأله فقط با کسانی است که به اراضی ملی تجاوز می‌کنند یا به دنبال تحکیم تخلفات گذشته‌اند. او تلاش دارد تأکید کند که هدف، مقابله با یک گروه اجتماعی نیست، بلکه مقابله با رفتار غیرقانونی است؛ رفتاری که می‌تواند از شکار غیرمجاز گرفته تا زمین‌خواری و ساخت‌وساز پنهانی را در بر بگیرد.

دو محیطبان از میان شعله‌ها

جان سالم به در بردند

در میان آمارها و اظهارنظرها، یک واقعیت تلخ کمتر از بقیه دیده می‌شود: اینکه در جریان عملیات اخیر، دو محیطبان در حین اطفای حریق به سختی از مرگ نجات پیدا کردند.

شدت حریق‌های اخیر را می‌توان از خسارت وارد شده به تجهیزات هم فهمید. بر اساس داده‌های مطرح شده، در این آتش‌سوزی‌ها یک لودر و یک تراکتور نیز از بین رفته‌اند.

هزینه امروز برای تضمین فردا

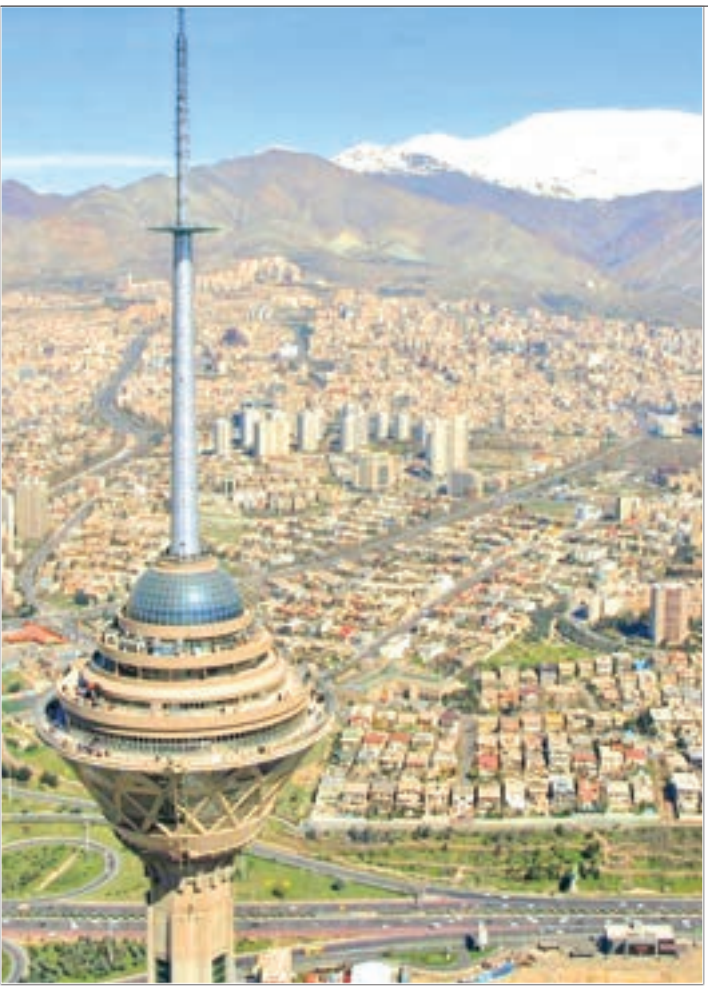
شاید صریح‌ترین بخش سخنان مدیرکل حفاظت محیط‌زیست مازندران، آنجاست که می‌گوید: «امسال هزینه شفاف‌سازی را می‌پردازیم تا همکاران بعدی راحت‌تر کار کنند.» از نگاه او، آتش‌سوزی‌ها، تهدیدها و فشارها بخشی از بهای ناگزیر اصلاح وضعیتی است که سال‌ها با ابهام، ملاحظه‌کاری یا عقب‌نشینی پیش رفته است.

یک آزمون حکمرانی

آنچه امروز در میانکاله رخ می‌دهد، صرفاً مسأله یک پهنه جغرافیایی در مازندران نیست. این منطقه به‌عنوان یک ذخیره‌گاه زیست‌کره، بخشی از اعتبار ملی در حفاظت از طبیعت است.

هر تصمیمی که در اینجا گرفته می‌شود و هر عقب‌نشینی یا ایستادگی‌ای که رخ می‌دهد، معنایی فراتر از محدوده همان منطقه دارد. به همین دلیل، حریق‌های اخیر را می‌توان آزمونی برای سنجش کیفیت حکمرانی

محیط‌زیستی در ایران دانست: آزمونی که نشان خواهد داد قانون می‌تواند در برابر فشار ذی‌نفعان غیرقانونی بایستد و قواعد را شفاف کند.



تهران با

مجموعه‌ای

از بحران‌ها

روبه‌روست:

آب، آلودگی

هوا، فرونشست

زمین، ترافیک،

کاهش کیفیت

زندگی و فشار

فزاینده بر

زیرساخت‌های

شهری.

در قلب همه

این چالش‌ها

یک مفهوم

مشترک قرار

دارد: ظرفیت

زیستی شهر.

پرسش اصلی

انتخابات آینده

این نیست

که چه کسی

پروژه‌های

بیشتری

می‌سازد؛

پرسش این

است که چه

کسی می‌تواند

مرز میان

توسعه و تخریب

را تشخیص دهد

شود، دیربازود هزینه آن را از آب، هوا، زمین و کیفیت زندگی شهروندان خواهد پرداخت.

سؤال پایانی

آیا وقت آن نرسیده است که «ظرفیت زیستی تهران» به یکی از معیارهای اصلی انتخاب و ارزیابی اعضای شورای شهر تبدیل شود؟ پاسخ به این پرسش، شاید مهم‌ترین تصمیمی باشد که یک شهروند تهرانی پیش از رای دادن می‌گیرد.